

گفت و گوی آدینه این هفته با زهرا بلنددوست، نویسنده

شاعری در گیلان راحت تر است



رمان، چندین ناشر به او پیشنهاد چاپ دادند که او نشر کتابستان را انتخاب کرد. حالا هم مدتی است که طرح این رمان را به چندین کارگردان مطرح ایران داده و دنبال این است که به کار تصویری تبدیل شود. متأسفانه اما به محض متوجه شدن موضوع، بی توجه از کنار آن عبور می کنند.

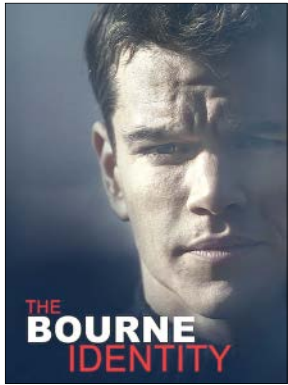
زهرا بلنددوست در حال حاضر مشغول نوشتن قسمت‌های پایانی رمانی دیگر است. این رمان فصل دوم رمان چایت را من شیرین می‌کم است و مانند شیوه نوشتن رمان پیشین او، روزانه در کانال شخصی‌اش قرار می‌گیرد.

داعش پرداخته است. داعش برای ما در این رمان معرفی می‌شود؛ این که چگونه این گروهک تروریستی در سراسر جهان تبلیغ و برای خود نیرو جمع می‌کند. نویسنده این کتاب می‌گوید: دلیل نوشتن چایت را من شیرین می‌کنم، لجبازی با یک همکار بود و اصلاً قرار نبود این‌طور پیش برود. حالا اما بابت این لجبازی خوشحالم. او درباره چگونگی شکل گرفتن آن ادامه می‌دهد: «رمان را روزانه می‌نوشتیم و در کانال قرار می‌دادم و در فضای مجازی بازخورد خوبی گرفتیم. در واقع آن زمان، موضوع تازه‌ای بود که داعش را صریح‌تر و با بیان جزئیات بیشتری توضیح می‌داد.» بعد از اتمام

شیما آشتیانی

زهرا اسعد بلنددوست، متولد ۷ اسفند ۶۸ در شهر قم، بزرگ شده تهران با اصالت شهر رشت است. فرزند اول یک خانواده چهار نفره و فارغ‌التحصیل کارشناسی الهیات است و مدتی به عنوان نویسنده و گوینده عروسک با صداوسیما همکاری داشته است. «چایت را من شیرین می‌کنم» نام رمان زهرا بلنددوست و در رابطه با مدافعان حرم و فعالیت سپاه در خارج از مرزهاست که با محوریت مدافعان حرم نوشته شده و اولین رمانی است که در ایران به موضوع

فیلم



تا چند سال قبل، زیاد فیلم می‌دیدم و بعدش به تحلیل کردنشان می‌نشستم. به‌خصوص فیلم‌هایی با موضوعات سیاسی - هیجانی مثل الماس خونین، رونین، چنگانه هویت برن که به‌نظرم بی‌نظیرترین بود. شخصاً فیلم‌هایی را می‌پسندم که سهل و راحت، پاسخ معماهای قصه را به‌خورد بیننده نمی‌دهد و آدم را درگیر و مجبور به فکر کردن می‌کند. به‌طور کل از تماشای فیلم‌های سیاسی با پیچیدگی‌های خاص و ظریف لذت می‌برم.

توضیحات تکمیلی

هویت بورن، فیلمی اکشن و مهیج به کارگردانی داگ لیمن و نویسندگی تونی گیلروی و ویلیام بلیک هیرون محصول سال ۲۰۰۲ آمریکا است که بر اساس رمانی به همین نام، به قلم رابرت لودلوم ساخته شده است. از بازیگران آن می‌توان به مت دیمن، فرانکا پوتنه، برایان کاکس، کلایو اوون، کریس کوپر، آواله آکینویه آگباچه، جولیا استایلز، جاش همیلتون و والتون گوکینس اشاره کرد. دنباله‌های آن شامل برتری بورن (۲۰۰۴)، اولتیماتوم بورن (۲۰۰۷)، میراث بورن (۲۰۱۲) و جیسون بورن (۲۰۱۶) می‌شوند.

سفر



خاک ایران متر به مترش حرف برای گفتن و سفر رفتن دارد، گل سرسیدشان هم مشهد الرضا است. گیلان به‌خصوص رشت و لاهیجان را هم به‌خاطر باران و آسمان دلگیرش، خیلی دوست دارم. در این استان، مسافر هر شهرش که باشی، آسمانش دست و دل‌باز است. به‌نظرم در خطه گیلان، شاعری و نویسندگی به لطف یک نم باران و یک استکان چای دارچین، سهل می‌شود.

توضیحات تکمیلی

لاهیجان یا به حق «عروس گیلان» یکی از شهرهای زیبای شرق استان گیلان است و معنی نام آن براساس شواهد قدیمی شهر ابریشم بوده است. لاهیجان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای گیلان است که در زمان حمله مغول ویران می‌شود، ولی پس از آن مجدداً رونق یافته و مرکز تولید ابریشم، برنج و ذرت و همچنین مرکبات می‌شود. طلایی‌ترین دوران شکوفایی این شهر در قرن نهم هجری بوده است. فاصله تهران تا لاهیجان حدود ۳۵۰ کیلومتر است و بهترین مسیر، استفاده از آزادراه‌های تهران - کرج - قزوین و قزوین - رشت است که قبل از رسیدن به رشت باید از آزادراه خارج شده و از جاده سنگر - سیاهکل به سوی شرق و به سمت لاهیجان ادامه مسیر داد.

کتاب



در گونه‌های مختلفی کتاب خوانده‌ام و خیلی‌هايشان را دوست داشتم. از «هری پاتر» جی کی رولینگ تا «دالان بهشت» زهره صفوی. حالا هم «دلتنگی چندم» به قلم آقای «حسین دهلوی» که از آن دست موضوعات حماسی و دلنشین است با قلمی روان. کتابی که به رشادت مدافعین حرم و دلتنگی همسرانشان با الهام از زندگی شهید صدرزاده می‌پردازد. موضوعی که در این برهه تاریخی مظلوم است و بسیار زیاد جای کار دارد.

توضیحات تکمیلی

«دلتنگی چندم»، عاشقانه‌ای متفاوت با چاشنی جنگ است، نویسنده در این کتاب، سراغ اتفاقات پررنگی رفته که روزی عنوان نخست اکثر خبرگزاری‌های دنیا بود. پدیده داعش که بسیار به مرزهای ما نزدیک شد و خرابی‌هایی هم در داخل کشور به وجود آورد. این داستان به قلم حسین دهلوی و با الهام از مشی مجاهدانه شهید مدافع حرم، مصطفی صدرزاده به رشته تحریر درآمده است. عاشقانه‌ای خواندنی که مخاطب را چند ساعتی از روزمره و اتفاقات پیرامونش دور می‌کند.

پاتوق



هر جا که دل آرام شود و روح چرت خوش‌مزه بزند، پاتوق من است. معمولاً به سکوت مزار شهدا پناه می‌برم؛ به‌خصوص وقتی آسمان تاریک باشد. حس و حال خوبی دارد. شب هست، اما ترس نیست. اتوبان شهید بابایی، نزدیک دانشگاه افسری امام حسین، شب‌ها وقتی کنار مزار شهدا می‌ایستی، انگار همه شهر زیر پاهایت است. چراغ‌های روشن ماشین‌ها و خانه‌ها، آدم یاد این دیالوگ خدا حافظ رفیق می‌افتد که: «اینا چقدر جدی گرفتن زندگی رو.. این شهر همه‌اش شده زمین. آسمونی نداره. من دلم آسمونی می‌خواد..»

توضیحات تکمیلی

به انتهای اتوبان بابایی که نزدیک می‌شویم، روبه‌روی ورودی شهرک شهید شیرودی و نزدیک دانشگاه امام حسین (ع)، هشت شهید گمنام آر미ده‌اند که سال‌هاست میعادگاه عاشقان و دلدادگانی شده‌اند که بسیاری از ایام را در کنار ایشان سپری می‌کنند. تا چند سال قبل، مزار این هشت شهید سنگ قبرهایی ساده داشت، اما به مرور زمان با میزان استقبال مردم برای زیارت این شهیدان مقرب، کم‌کم رسیدگی به این مزارها بیشتر شد و هم‌اکنون خیمه‌ای به یاد خیمه سیدالشهدا بر فراز قبور این عزیزان ساخته‌اند.



● از شما می‌خواهیم پیام‌ها و پیشنهادهای خود را به نشانی: تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجدالغدیر، روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی chamedan@jamejamonline.ir ارسال کنید.

شماره پیامک ۳۰۰۱۱۲۲۳ نیز راه ارتباطی دیگر ما با شماست.

● از آنجا که نظرات شما برای پربارتر کردن مطالب چمدان برای ما بااهمیت است، قصد داریم با استفاده از پیشنهادهايتان به موضوعاتی بپردازیم که بیشتر مورد علاقه شماست.

دوستان چمدانی!